

## حدیث شهادت خضر بر دوازده امام؛ بررسی اصالت و نحوه انتقال از اصول اولیه به جوامع حدیثی\*

[محمد قندهاری]

### چکیده

یکی از شواهد روایی امامیه در باب عدد ائمه، حدیث شهادت خضر علیه السلام بر دوازده امام علیهم السلام است که کلینی و برخی محدثین دیگر به واسطه احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب های خود آورده اند. برقی نقل دیگری از این حدیث را در بخش کتاب العلل از المحاسن، بدون اسامی کامل ائمه علیهم السلام آورده، که این امر موجب بروز تردیدهایی در اصالت نقل کامل آن شده است. این مقاله از خلال تطبیق اسناد حدیث خضر نشان می دهد منبع اصلی این حدیث با ذکر کامل اسامی ائمه علیهم السلام، کتاب راوی اصلی آن، ابوهاشم جعفری بوده که از آن جا به نگاشته های محدثان بعدی چون الکافی کلینی راه پیدا کرده است. در ادامه، مقاله می کوشد علت اختلاف به وجود آمده بین سند و متن نقل المحاسن با نقل دیگر کتاب های حدیثی را تبیین نماید. بدین منظور، با بررسی آماری احادیث کتاب العلل از المحاسن نشان داده می شود که این بخش از کتاب، در واقع کتابی از محمد بن خالد برقی است که توسط پسر وی تکمیل شده است و بروز اختلافات متنی و سندی نیز، ریشه در سبک حدیث نگاری برقی پدر و پسر دارد.

**کلیدواژه ها:** حدیث خضر، ابوهاشم جعفری، محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، احادیث ائمه اثناعشر.

\* تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۵.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران ghandehari@ut.ac.ir.

## مقدمه

در سنت حدیثی شیعه، احادیث متعددی از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام در تعیین اسامی دوازده امام رسیده است که نویسندگان اصول و جوامع حدیثی شیعه، آن‌ها را ثبت کرده‌اند؛ اما با گذر زمان و تدوین جوامع روایی، این اصول از بین رفته و از این روی بسیاری از منابع اولیه این احادیث به دست ما نرسیده است. در این مقاله، نمونه‌ای موردی و پرمناقشه در این زمینه، واکاوی شده است.

یکی از اخباری که در بسیاری از کتاب‌های حدیثی به چشم می‌خورد، حدیثی مشهور به «حدیث خضر» است. این حدیث به دلیل ذکر شدن نام تمامی دوازده امام از زبان حضرت خضر علیه السلام، از دیرباز مورد استناد امامیه بوده است. ابوالصلاح حلبی (د. ۴۴۷ ق) این حدیث را در زمره روایات خاصه بر اثبات عدد ائمه آورده و در کتاب خود این حدیث را غیر واحد و پرتکرار می‌داند.<sup>۱</sup> کراجکی (قرن پنجم) بر شهرت و اجماعی بودن صحت این حدیث تأکید کرده و سید هاشم بحرانی (قرن یازدهم) نیز آن را مشهور خوانده است. علاوه بر این، ابوطالب هارونی (د. ۴۲۴ ق) نیز در ردیه‌ای که علیه امامیه نوشته است، به این حدیث اشاره کرده و آن را «متظافر نزد آنان» خوانده است.<sup>۲</sup> کراجکی در قرن پنجم بر شهرت و اجماعی بودن صحت این حدیث تأکید کرده<sup>۳</sup> و سید هاشم بحرانی نیز آن را مشهور خوانده

۱. و منه ما تناصرت به الروایة من حدیث الخضر علیه السلام و سؤاله امیر المؤمنین علیه السلام عن المسائل فأمر الحسن علیه السلام بإجابته عنها فأجابته فأظهر الخضر علیه السلام بحضرة الجماعة الإقرار لله سبحانه بالربوبية ولمحمد صلی الله علیه و آله بالنبوة ولأمیر المؤمنین علیه السلام بالإمامة والحسن والحسين والتسعة من ولد الحسين علیه السلام.... (ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم، تقریب المعارف، ۴۲۱)

۲. ثم خبر النص على الاثنی عشران كان متظاهراً (متظافراً) عندهم على ما يدعون، فلم كانوا مختلفون.... (صاحب بن عباد، نصره مذاهب الزیدیه، ۱۶۵). باید دانست این کتاب به اشتباه به صاحب بن عباد نسبت داده شده و در اصل الدعامة فی تشبیت الامامة نوشته ابوطالب هارونی است. (برای مطالعه بیشتر، رک: رحمتی، محمد کاظم، غیبت صغری و نخستین بحران‌های امامیه، مجله تاریخ اسلام، ۲۵/ ۷۲ - ۷۳)

۳. والحدیث مشهور بین الشیعة، مجمع على صحته عند الطائفة الإمامية. (کراجکی، محمد بن علی، الاستنصار فی النص على الأئمة الأطهار، ۱۲۸)

است.<sup>۱</sup> این حدیث در مصادری چون تفسیر علی بن ابراهیم، الکافی کلینی، الغیبة نعمانی و برخی کتاب‌های شیخ صدوق نقل شده است.<sup>۲</sup> حدیث خضر در الکافی با واسطه احمد بن محمد بن خالد برقی از ابوهاشم، داود بن قاسم جعفری، از امام جواد علیه السلام نقل شده و محتوای آن از این قرار است:

امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد الحرام شدند که مردی پیش آمد و به حضرت سلام کرد، آن حضرت جوابش فرمود و او گفت: «ای امیرالمؤمنین! سه مسئله از شما می‌پرسم، اگر جواب گفתי، می‌دانم که آن مردم [که بعد از پیامبر حکومت را تصرف کردند] درباره تو مرتکب عملی شدند که خود را محکوم ساختند و در امر دنیا و آخرت خویش آسوده و در امان نیستند؛ و اگر جواب نگفתי، پی می‌برم که تو هم با آن‌ها برابری!» امام علی علیه السلام به او فرمود: «هر چه خواهی از من بپرس!» او گفت: «به من بگو: ۱- وقتی انسان می‌خواهد روحش کجا می‌رود؟ ۲- چگونه می‌شود که انسان گاهی به یاد می‌آورد و گاهی فراموش می‌کند؟ ۳- چگونه می‌شود که فرزند انسان مانند عموها یا دایی‌هایش می‌شود؟» امام علی علیه السلام روبه امام حسن علیه السلام کرده و فرمود: «ای ابا محمد! جوابش را بگو». امام حسن جوابش را فرمود: سپس آن مرد گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَلَمْ أَزَلْ  
أَشْهَدُ بِذَلِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ إِلَى  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيَّهُ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ  
إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَصِيَّ أَخِيهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ  
بَعْدَهُ وَأَشْهَدُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحُسَيْنِ بَعْدَهُ وَأَشْهَدُ عَلَى

۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۷۱۲/۴.

۲. اسناد و آدرس تمامی منابع حدیث در ادامه مقاله خواهد آمد. لازم به ذکر است بسیاری از محدثین امامیه این حدیث را صحیح خوانده‌اند؛ مانند علامه مجلسی در مرآة العقول،

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ أَشْهَدُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُوسَى وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَمْرِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ وَ أَشْهَدُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ أَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لَا يَكْتَنِي وَلَا يُسَمِّي حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فِيمَآلَهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

سپس آن مرد برخاست و رفت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «ای ابا محمد! دنبالش برو و ببین کجا می رود؟» امام حسن علیه السلام فرمود: «همین که پایش را از مسجد بیرون گذاشت نفهمیدم کدام جانب از زمین خدا را گرفت و رفت!» امیرالمؤمنین فرمود: «ای ابا محمد! او را می شناسی؟» امام حسن پاسخ می دهد: «خدا و پیغمبرش و امیرالمؤمنین دانانترند» حضرت فرمود: «او حضرت خضر علیه السلام است»<sup>۱</sup>.

همان طور که اشاره شد این حدیث در الکافی به واسطه احمد بن محمد بن خالد برقی (د. ۲۸۰ ق) نقل شده است. باید توجه داشت که برقی خود صاحب کتاب المحاسن است که یکی از قدیمی ترین جوامع حدیثی به جامانده از احادیث امامیه در قرن سوم به شمار می رود و فقط بخشی از آن، یعنی حدود ۱۱ فصل از حدود ۹۰ فصل، امروزه در اختیار ما است.<sup>۲</sup> حدیث خضر در بخش موسوم به کتاب العلل، از بخش های به جامانده از المحاسن، نیز نقل شده است. برقی این حدیث را در آنجا با سند «عنه عن أبيه عن أبي هاشم الجعفري رفع الحديث قال قال أبو

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۵۲۵. کلینی این حدیث را با سند دیگری از برقی نیز ذکر کرده است که در ادامه خواهد آمد.

۲. علاوه بر این ۱۱ فصلی که در نسخه چاپی آمده است بخش مکارم الاخلاق و مکارم الافعال از المحاسن نیز به تازگی یافت شده و به طور جداگانه به چاپ رسیده است. رک: برقی، احمد بن محمد بن خالد، مکارم الاخلاق و مکارم الافعال من المحاسن، مقدمه مصحح.

عبدالله» از امام صادق علیه السلام نقل کرده است؛ ولی نکته حائز اهمیت آن است که او به گاه ذکر شهادت خضر، این عبارات را آورده است:

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و  
أشهد أن أباك امير المؤمنين وصي محمد حقا حقا ولم أزل أقوله وأشهد أنك  
وصيه وأشهد أن الحسين وصيك حتى أتى على آخرهم<sup>۱</sup>.

مسئله مهمی که از مقایسه این دو نقل پدیدار می شود آن است که در نقل کلینی و محدثان پسین که بیشتر آن ها حدیث خود را از برقی گرفته اند، اسامی ائمه علیهم السلام به صورت کامل ذکر شده است، در حالی که کتاب المحاسن برقی از این اسامی خالی است و به جای آن عبارت «حتی أتى على آخرهم» آمده است. این مسئله باعث شده است که برخی پژوهشگران، نص بردوازه امام در نقل کامل این حدیث را نمونه ای از اخبار برساخته امامیه در نسل های پسین بدانند که برای توجیه باور آنان به دوازه امام، به نقل متقدم حدیث خضر (نقل برقی در المحاسن) افزوده شده است.<sup>۲</sup>

۱. دخل أمير المؤمنين عليه السلام المسجد و معه الحسن عليه السلام، فدخل رجل فسلم عليه فرد عليه شيئا بسلامه، فقال يا أمير المؤمنين! جئت أسألك، فقال: سل! قال: أخبرني عن الرجل إذا نام أين تكون روحه؟ وعن المولود الذي يشبه أباه كيف يكون؟ وعن الذكر والنسيان كيف يكونان؟ قال: فنظر أمير المؤمنين عليه السلام إلى الحسن عليه السلام فقال: أجبه؛ فقال الحسن: إن الرجل إذا نام فإن روحه متعلقة بالريح والريح متعلقة بالهواء، فإذا أراد الله أن يقبض روحه جذب الهواء الريح وجذبت الريح الروح وإذا أراد الله أن يردها في مكانها جذبت الروح الريح وجذبت الريح الهواء فعادت إلى مكانها؛ وأما المولود الذي يشبه أباه، فإن الرجل إذا وقع أهله بقلب ساكن وبدن غير مضطرب وقعت النطفة في الرحم فيشبه الولد أباه وإذا وقعها بقلب شاغل وبدن مضطرب فوقعت النطفة في الرحم فإن وقعت على عرق من عروق أعمامه يشبه الولد أعمامه وإن وقعت على عرق من عروق أخواله يشبه الولد أخواله؛ وأما الذكر والنسيان، فإن القلب في حق والحق مطبق عليه، فإذا أراد الله أن يذكر القلب سقط الطبق فذكر. فقال الرجل: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمدا عبده ورسوله وأشهد أن أباك أمير المؤمنين وصي محمد حقا حقا ولم أزل أقوله وأشهد أنك وصيه وأشهد أن الحسين وصيك حتى أتى على آخرهم؛ فقال: قلت لأبي عبدالله: عليه السلام فمن كان الرجل؟ قال: الخضر عليه السلام. (همو، المحاسن، ۲/ ۳۳۲ و ۳۳۳)

۲. اتان كولبرگ با تطبیق نقل حدیث خضر در المحاسن با نقل کامل آن در تفسیر قمی و الکافی نتیجه گرفته است که محدثین امامیه در قرن سوم (از جمله برقی) به انحصار امامت در دوازه

مقاله حاضر با تمرکز بر طرق نقل حدیث خضر و بررسی رابطه دو نقل متفاوت آن و ریشه‌یابی این تفاوت‌ها، می‌کوشد مسئله انتقال این حدیث را به نحو علمی‌تری تبیین کند. به همین جهت نخست به جست‌وجوی منبع کلینی و دیگر محدثین در نقل این حدیث می‌پردازیم تا از این رهگذر اصالت نقل کامل حدیث خضر را در منابع متقدم بررسی کنیم؛ سپس می‌کوشیم تا با بررسی تمامی احادیث فصل مشابه در المحاسن، تفاوت‌های سند برقی در نقل این حدیث<sup>۱</sup> را ریشه‌یابی کنیم. درگام آخر نیز به این مسئله پرداخته می‌شود که در فرض دسترسی به نقل کامل حدیث خضر، چرا برقی در کتاب العلل المحاسن اسامی امامان را ذکر نکرده است.<sup>۲</sup>

### ۱- بررسی اصالت نقل کامل حدیث خضر

قبل از شروع بحث بایسته است به این پرسش مهم پاسخ داد که اگر در نقل یک روایت، بین یک منبع متقدم و یک منبع متأخر، اختلافی (اعم از زیاده یا نقصان یا تبدیل) وجود داشته باشد، آیا صحیح است که منشأ این اختلاف را منبع متأخر دانست؟ پاسخ این پرسش در حالت کلی منفی است. برای انتساب اختلافات به منبع دوم، لازم

امام باور نداشته‌اند و پس از قرن سوم، با تغییر یافتن اوضاع، این باور در آنان شکل گرفته است. سیر بحث او تلویحاً به خواننده القا می‌نماید که احادیث قرن سوم (مانند حدیث خضر) نیز متناسب با باور جدید به‌روز شده‌اند: رک: Kohlberg, From Imāmiyya to Ithnā-‘ashariyya, p. ۵۲۳.

این مقاله به‌طور کامل ترجمه و نقد شده است؛ رک: الویری، محسن، نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری، مجله دانشگاه امام صادق (ع)، شماره اول؛ اما با این حال، علت تفاوت نقل‌های حدیث خضر تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱. چنانچه اشاره شد، در سند کلینی نام پدر برقی به چشم نمی‌خورد و حدیث از امام جواد (ع) نقل شده است؛ در حالی که المحاسن آن را به واسطه پدر برقی و دست‌آخر به صورت مرفوع از امام صادق (ع) نقل کرده است.

۲. انگیزه طرح سؤال آخر، در حقیقت بررسی مقدمه این استدلال کولبرگ و دیگر اشکال کنندگان بوده است که مدعی‌اند فهرست نهایی دوازده امام و باور انحصار عدد ائمه در دوازده، از هیچ طریقی (از جمله نقل کامل حدیث خضر) در قرن سوم شناخته شده نبوده است؛ چراکه اگر چنین بود، برقی می‌بایست آن را در المحاسن ذکر می‌کرد.

است ابتدا مرجع بودن منبع اول برای منبع دوم اثبات گردد، سپس با بررسی قرائن، انتساب تحریفات به منبع دوم نشان داده شود. در مورد حدیث خضر نیز همین قاعده پابرجاست؛ اما با بررسی ادعاهای دال بر تحریف این حدیث، مشاهده می‌گردد این پیش فرض که منبع کلینی و محدثین بعدی برای نقل حدیث خضر، همان حدیث موجود در المحاسن است، هیچ‌گاه اثبات نشده است؛ اما بر مبنای آن و با توجه به تفاوت موجود بین محتوای نقل‌های مختلف حدیث، این ادعا طرح شده که کلینی و دیگران، بخش شهادت خضر را بر حدیث موجود در المحاسن افزوده‌اند و این بخش اصالت ندارد.

لازم به ذکر است که بخش عمده کتاب المحاسن برقی به دست ما نرسیده است. در بیان نجاشی، نسخه المحاسن مشتمل بر ۹۰ بخش (کتاب) و در بیان شیخ طوسی افزون از ۱۰۰ بخش، شامل موضوعاتی از فقه و حکمت و آداب و علل شرعی و توحید و سایر مراتب اصول و فروع دین، بوده است.<sup>۱</sup> المحاسن هر چند الهام بخش تألیف بسیاری از کتاب‌های بعدی و نیز از مراجع تألیف آن‌ها بود، اما متأسفانه از قرون میانه با انتقال بسیاری از محتوای آن به جوامع بعدی، نسخه‌هایش مفقود شد و امروزه تنها بخش اندکی از آن (تنها یازده فصل) به دست ما رسیده است. همچنین برقی از مصنفین بزرگ زمان خود بوده و به غیر از این کتاب، حدود ۱۲۰ کتاب دیگر نیز در علوم مختلف تألیف نموده که اسامی این کتاب‌ها در فهرست‌های متقدم، موجود است؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها نیز به دست ما نرسیده است.<sup>۲</sup> بنابراین روشن است که از نیافتن حدیث کامل خضر (حاوی اسامی ائمه) در اندک قسمت‌های بازمانده از تنها کتاب موجود برقی، نمی‌توان نتیجه گرفت که الزاماً او این حدیث را به شکل کامل در هیچ جای دیگری از

۱. قربانی زرین، رضا و دیگران، احمد بن محمد بن خالد برقی در آئینه المحاسن، مجله لسان صدق، شماره ۲۱. در منبع یاد شده، تحلیلی از اختلاف بین دو فهرست در نام بردن از کتاب‌های المحاسن نیز آمده است.

۲. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، دانش‌نامه جهان اسلام، ۲، مدخل برقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد.

آثارش نیز نقل نکرده و دیگران آن را جعل کرده و به او نسبت داده‌اند! همچنین سند متفاوت این دو حدیث، خود شاهی بسیار مهم است که نشان می‌دهد منبع کلینی و دیگران در نگارش این حدیث، نقل موجود در کتاب العلیل المحاسن نبوده است. تا اینجا می‌توان گفت که فرض اصلی و مبنایی اشکال، هیچ‌گاه اثبات نشده است و لذا اشکال به کلینی یا محدثین بعدی در همین حد ناوارد است.<sup>۲</sup>

آنچه بیان شد این پیش‌فرض را که کتاب العلیل المحاسن منبع نقل این حدیث در مصادر پسین است، مورد تردید جدی قرار می‌دهد؛ اما پرسشی که پیش روی ما قرار دارد و باید پاسخ گفت آن است که اگر کلینی و محدثان دیگر، این حدیث را از کتاب العلیل المحاسن برنگرفته‌اند، پس منبع آنان در نقل این خبر چه بوده است؟ به منظور پاسخ بدین پرسش لازم است طرق این حدیث در منابع گوناگون مورد بررسی قرار گیرد:

۱. وجود اسم احمد بن محمد بن خالد برقی در سند کلینی الزاماً به معنای آن نیست که کلینی حدیث را از روی کتاب برقی و آن هم الزاماً المحاسن، نوشته است. لازم به ذکر است در سند بیش از ۱۵۰۰ حدیث الکافی، نام برقی به چشم می‌خورد (رک: نرم‌افزار درایه‌النور) که اکثر آن‌ها در المحاسن فعلی موجود نیست.

۲. علاوه بر نکته بالا، باید توجه داشت که اصل فرض متقدم‌تر بودن نقل المحاسن، تنها در فرضی معتبر است که شاکله سنت انتقال حدیث را در شیعه معتبر بدانیم؛ در این صورت، به طور نقضی اشکال رفع می‌گردد. توضیح بیشتر آن که با معتبر دانستن سنت انتقال، در حقیقت پذیرفته‌ایم که حدیث خضرا از منابع قبل از غیبت نشأت گرفته است. ولی در صورت پذیرفتن این سنت، اصل انتساب حدیث موجود در المحاسن فعلی به برقی، زیر سؤال می‌رود؛ چراکه می‌دانیم قدیمی‌ترین نسخه بازمانده از این حدیث در الکافی (متعلق به قرن هفتم و هشتم، رک: صدرائیه خویی، علی، کافی پژوهی در عرصه نسخه‌های خطی، ۳۵۱-۳۵۳)، متقدم بر قدیمی‌ترین نسخه المحاسن (متعلق به قرن دهم و یازدهم، رک: مقدمه محقق بر المحاسن، تحقیق سید مهدی رجائی، ۵۶/۱-۵۸) است؛ این امر در کنار شهرت کلینی به «أثبت الناس» (نجاشی، احمد بن علی، رجال، ۳۷۷) و شهرت کتاب او به «أضبط الأصول» (مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ۳/۱)، به نقل الکافی اعتباری بالاتر از المحاسن موجود می‌بخشد. به عبارت دیگر، در فرض نپذیرفتن شاکله اعتبار سنت انتقال حدیث در شیعه، باید به نقل نسخه‌های موجود از کتاب‌های حدیثی اکتفا کرد که در این صورت، به علت قدمت، شهرت و کثرت نسخه‌های الکافی در طول زمان، نقل کلینی اصالت بالاتری خواهد داشت.



سند برخی از محدثینی که حدیث خضر را با ذکر نام تمامی ائمه (به نقل از امام جواد علیه السلام) و با واسطه ابوهاشم جعفری و پس از او برقی) و با واسطه های مختلف نقل کرده اند، از این قرار است:

۱- کلینی (د ۳۲۹ ق) در کتاب الحجة الکافی در «باب ما جاء فی الاثنی عشر والنص علیهم علیهم السلام»، حدیث ۱: «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقی عن أبي هاشم داود بن القاسم الجعفری عن أبي جعفر الثاني علیه السلام»<sup>۱</sup>

۲- کلینی در حدیث ۲ همان باب: «حدّثنی محمّد بن یحیی عن محمّد بن الحسن الصقّار عن أحمد بن أبي عبدالله عن أبي هاشم مثله سواءً، قال محمد بن يحيى فقلت لمحمد بن الحسن يا أبا جعفر وددت أن هذا الخبر جاء من غير جهة أحمد بن أبي عبدالله قال فقال لقد حدثني قبل الحيرة بعشر سنين»<sup>۲</sup>.

۳- کاتب نعمانی در الغيبة (نوشته شده در فاصله ۳۳۶ تا ۳۴۲ ق)<sup>۳</sup>: «أخبرنا عبد الواحد بن عبدالله بن يونس الموصلي، قال حدثنا محمد بن جعفر، قال حدثنا أحمد بن محمد بن خالد، قال حدثنا أبو هاشم داود بن القاسم الجعفری، عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال: ...»<sup>۴</sup>

۴- شيخ صدوق (د ۳۸۱ ق) در کمال الدين، علل الشرايع و عيون اخبار الرضا عليه السلام: «حدثنا أبي ومحمد بن الحسن رضي الله عنهما، قال حدثنا سعد بن عبدالله وعبدالله بن جعفر الحميري ومحمد بن يحيى العطار وأحمد بن إدريس جميعاً، قالوا حدثنا أحمد بن أبي عبدالله البرقي، قال حدثنا أبو هاشم داود بن القاسم الجعفری، عن أبي جعفر الثاني محمد بن علي عليه السلام ...»<sup>۵</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۵۲۵.

۲. همان، ۱/ ۵۲۶.

۳. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، نعمانی و مصادر غیبت، مجله انتظار موعود، ۱۸/ ۲۵۶.

۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ۵۸، ح ۲. برابر با دیگر اسناد الغيبة، راوی از برقی ظاهرأ جعفر بن محمد بن الحسن القرشی الرزاز، دابی پدر ابو غالب ززاری (د. ۳۶۸ ق) است.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدين، ۳۱۳، ح ۱؛ همو، علل الشرايع، ۱/ ۹۶، ح ۶؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ۱/ ۶۵، ح ۳۵.

۵- شیخ مفید (د ۴۱۳ ق) در الغیبه<sup>۱</sup>: «أخبرنا عبد الواحد بن عبدالله بن یونس الموصلی، قال: أخبرنا محمد بن جعفر، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن خالد، قال: أخبرنا أبو هاشم داود بن القاسم الجعفری، عن أبي جعفر محمد بن علی عليه السلام، عن آبائه عليهم السلام، قال: ...»<sup>۲</sup>

۶- شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق) در الغیبه<sup>۳</sup> از طریق کلینی، طبرسی (د ۵۴۸ ق) در اعلام الوری<sup>۴</sup> به نقل از شیخ صدوق، کراچکی (د ۴۴۹ ق) در الاستنصار<sup>۵</sup> و ابن شهر آشوب (د ۵۸۸ ق) در المناقب<sup>۶</sup> به نقل از شیخ مفید و کیدری (قرن ۶) در بصائر الأنس بحضائر القدس<sup>۷</sup> به نقل از شیخ طوسی، شیخ صدوق، محمد بن حسن صفار (د ۲۹۰ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (قرن ۳)، محمد بن یحیی عطار (قرن ۳) و أحمد بن إدريس قمی (د ۳۰۶ ق)، حدیث خضر را از امام جواد عليه السلام روایت کرده اند.<sup>۸</sup>

۱. گفتنی است کتاب فی الغیبه اثر شیخ مفید (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۴۰۱) که در قرون گذشته موجود بوده، هم اکنون به دست ما نرسیده است. این نقل شیخ مفید را عالم قرن ششم، ابن شهر آشوب، در المناقب (۱/ ۲۸۶)، عالم قرن هفتم، یوسف بن حاتم شامی عاملی، در الدر النظیم فی مناقب الأئمة الالهامیم (۷۹۲ - ۷۹۳)؛ و عالم قرن نهم، بیاضی عاملی، در الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم (۲/ ۱۱۱) نیز تأیید کرده اند.
۲. به نقل از رازی جبلرودی، خضر بن محمد، التوضیح الأنور فی دفع شبه الأعور، ۴۸۰؛ با توجه به یکسان بودن سند نقل نعمانی با مفید، احتمال انتساب اشتباه کتاب نعمانی به مفید نیز وجود دارد.
۳. و بهذا الإسناد عن محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد البرقي.... (طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ۱۵۴).
۴. الفصل الثاني: فی ذکر بعض الأخبار التي جاءت من طريق الشيعة الإمامية في النص على إمامة الاثني عشر من آل محمد عليهم السلام... وأما الضرب الثاني وهو ما روى من النصوص على أعيان الأئمة الاثني عشر عليهم السلام؛ فن ذلك ما رواه الشيخ أبو جعفر بن بابويه...؛ (طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۳۸۶، با همان سند شیخ صدوق)
۵. کراچکی، محمد بن علی، همان، ۱۲۸.
۶. روی الشيخ المفید حدیث الخضر و محبته إلى أمير المؤمنين و سؤاله عن مسائل و... (ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، ۱/ ۲۸۶)
۷. این کتاب امروزه در دسترس نیست. این استناد به نقل از عاملی نباطی در الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم (۲/ ۱۱۱) آمده است.
۸. همچنین ابن جریر طبری (د قرن ۵ ق) در دلائل الإمامه، ۱۷۴ این حدیث را با ذکر نام تمامی

تمامی محدثان یادشده، این خبر را از برقی از ابوهاشم با ذکر نام تمام ائمه نقل کرده‌اند. علاوه بر این‌ها، در منابع شیعه، نقل حدیث خضر از غیر طریق برقی نیز دیده می‌شود. ۷- در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (د. ۳۰۷ ق) در ذیل آیه ۴۲ سوره زمر، این حدیث با سند «حدثنی اُبی عن اُبی هشام<sup>۱</sup> عن داود بن القاسم الجعفری عن اُبی جعفر محمد بن علی بن موسی علیه السلام قال: ...» ثبت شده است.<sup>۲</sup>

راوی اصلی حدیث، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری (د. ۲۶۱ ق)<sup>۳</sup> از تبار جعفر طیار و از بزرگان اصحاب ائمه (امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام) بوده است.<sup>۴</sup> قرائن تاریخی حاکی از آن‌اند که وی عمری طولانی داشته<sup>۵</sup> و در حدود نیمه قرن دوم به دنیا آمده است.<sup>۶</sup> شیخ طوسی او را صاحب اخبار و مسائلی از اهل بیت علیهم السلام و

ائمه علیهم السلام به نقل از ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی (د. ۳۲۲ ق) آورده است: «وحدثنی أبوالمفضل محمد بن عبدالله قال: حدثنی أبوالنجم بدر این الطبرستانی قال: حدثنی أبو جعفر محمد بن علی قال: روی عن اُبی جعفر الثانی علیه السلام أنه قال: ...» مسعودی (د. ۳۴۶ ق) در اثبات الوصیه (۱۶۰) و طبرسی (د. ۵۸۸ ق) در احتجاج (۱/۲۶۶) نیز حدیث خضر را به طور مرسل از امام جواد و با ذکر نام تمامی ائمه علیهم السلام آورده‌اند.

۱. روشن است که این نام، تصحیف ابوهاشم است.

۲. همان، ۲/۲۴۹. لازم به ذکر است که در نسخه مطبوع، این تفسیر پس از ذکر پاسخ سؤال اول، بقیه ماجرا به صورت اجمالی آمده است: «و قد مضی ذکر السؤالات الثلاثة» که اشاره به نقل جلوتر این ماجرا در همین کتاب دارد که با ذکر نام تمامی ائمه علیهم السلام همراه است. (قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر، ۲/۴۴)؛ البته محتمل است در نسخه‌ای از تفسیر که علامه مجلسی در اختیار داشته (بحار الأنوار، ۵۸/۳۹) نقل کامل حدیث با همین سند (با ذکر نام تمامی ائمه علیهم السلام) موجود بوده باشد.

۳. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، ۳/۲۸۹. البته ابوهاشم کتاب خود را باید قبل از سال ۲۵۲ نگاشته باشد؛ چرا که به نقل سمعانی در آن سال به زندانی در سامرا برده شده و چند سال بعد فوت کرده است. (همان)

۴. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۱۸۱، مدخل داود بن قاسم.

۵. طبق نقلی در مقاتل الطالبیین، ابوهاشم جعفری (داود بن القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن اُبی طالب) در زمان نواده زید بن علی، نزدیک‌ترین نسل جعفر و شیخ بنی‌هاشم به حساب می‌آمده است. (ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ۵۴۷)

۶. پدر ابوهاشم، قاسم بن اسحاق، از اصحاب امام صادق علیه السلام (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۵۶؛ طوسی، محمد بن حسن، رجال، ۲۷۱) و نیز از همراهان محمد نفس زکیه دانسته شده

اشعار نیکو دربارهٔ ایشان می‌داند. همچنین وی را صاحب کتابی می‌خواند و طریق خود را به آن می‌آورد.<sup>۱</sup>

تا همین جا می‌توان ادعا کرد اولین منبع حدیث خضر، کتاب ابوهاشم جعفری بوده است؛ چراکه در سنت حدیث امامیه، عمدهٔ احادیث به صورت مکتوب منتقل شده و نقل حدیثی که در کتاب یک راوی صاحب کتاب نبوده اما به صورت شفاهی بدو منسوب می‌گشت، مورد تشکیک واقع می‌شد؛ بنابراین از همسویی محدثین بزرگ بر نقل این حدیث از ابوهاشم، می‌توان وجود این حدیث را در کتاب او استنتاج کرد. این احتمال وقتی تقویت می‌شود که بدانیم طبق فهرست‌های امامیه، احمد بن محمد بن محمد بن خالد برقی راوی معروف کتاب ابوهاشم بوده است.<sup>۳</sup> از این رو با توجه به تطابق انتهای سند حدیث خضر در نقل‌های بالا با طریق کتاب ابوهاشم جعفری، می‌توان احتمال داد که چهار نقل اول (یعنی نقل اول کلینی، نعمانی، صدوق و مفید) همگی از کتاب ابوهاشم

است (نویری، احمد بن عبد الوهاب، نه‌ایة الأرب، ۵۰/۲۵). لذا تولد ابوهاشم نیز می‌بایست در حدود نیمهٔ قرن دوم باشد.

۱. طوسی، محمد بن حسن، فهرست، ۱۸۱ و ۱۸۲. یکی از معاصرین ادعا کرده که وی اهل کتاب و روایت یا حدیث نبوده است و کتاب منتسب به او، ساختگی است (بهیودی، محمد باقر، معرفة الحدیث، ۱۰۹). این ادعا به‌طور کامل پاسخ داده شده است (رک: قربانی زرین، رضا، اصالت حدیث شیعه با رویکرد مقامات ائمه علیهم‌السلام تا پایان قرن چهارم بخش ۳ - ۶ - ۴)؛ جالب آنکه ناقد احتمال داده است علت تشکیک در کتاب ابوهاشم، احتوای آن بر روایت خضر دربارهٔ دوازده امام باشد! از آنجاکه اصل اشکال، شواهد محکمی به همراه ندارد، از آن می‌گذریم.

۲. مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب، ۱۵، پاورقی ۱۴.

۳. طریق طوسی به کتاب ابوهاشم: آخرینها به عدهٔ من أصحابنا عن أبي المفضل عن ابن بطة عن أحمد بن أبي عبدالله عن أبي هاشم. (طوسی، محمد بن حسن، همان)؛ صدوق نیز طریق خود را به روایت ابوهاشم این‌گونه ذکر می‌کند: وما كان فيه عن أبي هاشم الجعفری فقد روئته عن محمد بن موسى بن المتوکل -رضی الله عنه - عن علی بن الحسين السعدآبادی، عن أحمد بن أبي عبدالله البرقی، عن أبي هاشم الجعفری. (ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۵۱۷/۴).

بوده که برقی آن را روایت می‌کرده است. علاوه بر این، نقل هفتم نیز نشانگر این است که حدیث خضر در اصل کتاب ابوهاشم موجود بوده است.<sup>۱</sup> همچنین منبع نقل کلینی در سند دوم الکافی به احتمال قوی، یکی از کتاب‌های محمد بن حسن صفار است<sup>۲</sup> که او نیز برای نقل این حدیث، از کتاب ابوهاشم یا برقی استفاده کرده است.<sup>۳</sup>

حال با توجه به این که کتاب‌های ابوهاشم در سنت حدیث امامیه به صورت تحدیثی

۱. علی بن ابراهیم از طریق پدرش به کتاب ابوهاشم اجازه داشته است. نقل وی از پدرش از ابوهاشم، در اسانید متعددی از الکافی و غیر آن مشاهده می‌شود؛ مانند: ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۲۵۶. همچنین کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۱۱۸. پس تنها راوی کتاب ابوهاشم، برقی نبوده است.

۲. احتمالاً کتاب مناقب او (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۵۴) که امروزه باقی نمانده است. تفکیک سند دوم از سند اول برای یک روایت، عمدتاً ناشی از آن است که منبع نقل دوم متفاوت بوده است؛ لذا نقل صفار در سند دوم الکافی، زیرمجموعه نقل اول محسوب نمی‌شده و اضافه کردن آن به صورت سندی موازی، وافی نبوده است. این احتمال با نقل کیدری در بصائر الأئس (مورد ۶ از همین فهرست) مبنی بر نقل این روایت توسط محمد بن حسن صفار، سازگار است.

۳. اگر فرض کنیم این روایت در زمان انتقال به صفار مکتوب بوده است، دقت در پاسخ صفار در سند دوم الکافی، این احتمال را که منبع اصلی نقل این حدیث کتاب ابوهاشم جعفری و نه المحاسن، بوده است تقویت می‌کند: «فقال: لقد حدثني قبل الحيرة بعشر سنين» (کلینی، محمد بن یعقوب، همان). درباره توجیهاات مختلف این گفته محمد بن یحیی و نیز پاسخ محمد بن حسن، رک: بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، الفوائد الرجالية، ۳۴۱/۱ - ۳۴۳؛ خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ۲/ ۲۶۵ - ۲۶۶؛ و مجموعه‌ای از نقل قول‌ها در مقدمه المحاسن، تصحیح محدث ارموی. مؤلف الفوائد الرجالية به استناد احادیث فراوانی که از برقی درباره دوازده امام و امام غایب عجل الله تعالی فرجه نقل شده، به طور قطع مراد از «حیرت» را دوره غیبت صغرا می‌داند، نه حیرت و سردرگمی شخص برقی (به نقل از الویری، محسن، همان، ۷۳ - ۷۴). بدین ترتیب برقی در حدود سال ۲۵۰، حدیث خضر را برای صفار روایت کرده است که قاعدتاً این روایت باید اندکی پس از آن باشد که برقی به نیت دیدار با امام هادی علیه السلام به سامرا سفر کرده و پس از آن، در بغداد با ابوهاشم ملاقات کرده است. (شبییری زنجانی، سید محمدجواد، همان) بدین ترتیب با توجه به فوت برقی در سال ۲۸۰ (همان) و روایت شدن محاسن توسط افرادی مانند نوّه او (طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، ۵۴)، نگارش کتاب المحاسن را باید متعلق به زمانی پس از آن نقل دانست. لذا به احتمال بیشتر، صفار روایت برقی از کتاب ابوهاشم را شنیده بوده است.

(با سماع و قرائت)<sup>۱</sup> به نسل‌های بعدی منتقل شده بود<sup>۲</sup> و تا قرن‌ها بعد در دسترس بوده است<sup>۳</sup>، می‌توان به وجود حدیث خضر در کتاب ابوهاشم جعفری اطمینان یافت؛ چراکه از منظر تاریخی، اینکه چند محدث به‌طور مستقل از یکدیگر<sup>۴</sup> حدیثی را به نقل از برقی و به یک صورت تحریف‌کنند، عادتاً ممکن نیست.<sup>۵</sup>

بنابراین، آنچه بیان شد نشان می‌دهد که منبع اصلی حدیث خضر با نقل کامل

۱. برای آشنایی با اهمیت و میزان رواج این سنت در نقل کتاب‌های متقدم امامیه، رک: قندهاری، محمد، تحمل کتب حدیثی در شیعه امامیه تا زمان شیخ طوسی، ۴۵-۵۱.

۲. برای مشاهده یک نمونه از نقل با طریق برقی از کتاب ابوهاشم با الفاظ تحدیث (حدثنا)، این سند را ملاحظه کنید: «حدثنا أبو رقیة عن عبد الله بن سعد بن عبد الله قال حدثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي قال حدثنا أبو هاشم داود بن القاسم الجعفری قال: كنت أتغدى مع أبي الحسن (ع) ...» (ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (ع)، ۲/ ۲۲۸). طریق نعمانی به حدیث خضر نیز دارای الفاظ تحدیث کامل است.

۳. عبارات کثیفی در رجال (۵۷۱) در نیمه قرن چهارم، شاهد آن است که وی به روایات کتاب ابوهاشم دسترسی داشته است. همچنین به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان به حدیثی از ابوهاشم در باب توحید اشاره کرد که بخش‌های تقطیع شده‌ای از آن در کتاب‌های حدیثی متقدم برجا مانده (با طرق متعدد از ابوهاشم در الکافی، ۱/ ۱۱۸ و ابن بابویه توحید، ۸۳) و نقل کامل آن حدیث در کنار حدیث بلند دیگری از او در الاحتجاج (۲/ ۴۴۱-۴۴۳)، گواه دسترسی طبرسی (در قرن ششم) به آن کتاب است. گفتنی است ابن عیاش جوهری (د. ۴۰۱ ق)، نیز به روایات او دسترسی داشته و برخی از آن‌ها را در کتابی به نام أخبار ائمه الجعفری گردآوری کرده بود. (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۸۶؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۷۸) که پاره‌هایی از آن نیز در اعلام الوری (به‌عنوان نمونه، ۳۷۱-۳۷۵) باقی مانده است.

۴. ممکن است اشکال شود که با توجه به پدیده «تبدیل اسناد» که برخی از محققین به رخداد آن در کتاب‌های حدیثی متقدم اشاره کرده‌اند (رک: مقدمه نرم افزار درایه النور)، نقل صدوق و نعمانی در حقیقت از الکافی بوده است؛ اما با توجه به ذکر شدن پاسخ‌ها در نقل نعمانی و صدوق و نبود این پاسخ‌ها در نقل الکافی (به دلیل تقطیع کلینی متناسب با عنوان باب مربوط) این احتمال درباره نقل حدیث خضر عادتاً منتفی است.

۵. گفتنی است آندره نیومن بدون توجه به منبع اصلی حدیث خضر و تنها با توجه به اسناد این حدیث در تفسیر قمی و الکافی نتیجه گرفته که نقل کامل حدیث خضر (با ذکر اسامی ائمه (ع)) حداقل در زمان برقی در قم رواج داشته است.

(Newman, Andrew, The Formative period of Twelver shi'ism, p.66, n. 53)

اسامی ائمه عليهم السلام و به نقل از امام جواد عليه السلام، کتاب ابوهاشم جعفری بوده است که بیشتر محدثین بعدی به آن کتاب از طریق برقی دسترسی داشته‌اند.<sup>۱</sup> در پی روشن شدن این نکته، سؤال دیگری ممکن است مطرح شود: اگر منبع اصلی این حدیث برای برقی و کلینی و دیگران، کتاب ابوهاشم جعفری بوده است، چرا برقی باید این حدیث را در کتاب *العلل المحاسن* با تفاوت‌هایی، هم از جهت سندی و هم متنی، نقل کرده باشد؟ بررسی این دودسته تفاوت را در دو بخش پیش رو دنبال می‌کنیم.

## ۲- علت تفاوت‌های سندی نقل برقی در المحاسن

پیش‌تر اشاره شد که سند حدیث خضر در کتاب *المحاسن* به شرح زیر است:  
 عنه عن أبيه عن أبي هاشم الجعفری رفع الحدیث قال: قال: أبو  
 عبدالله عليه السلام: ...<sup>۲</sup>.

به عبارت دیگر این حدیث در *المحاسن*، با واسطه برقی پدر (محمد بن خالد) از ابوهاشم جعفری به صورت مرفوع به امام صادق عليه السلام نسبت داده شده است. در حالی که پیش‌تر دیدیم کلینی و دیگران، این ماجرا را از برقی پسر (احمد بن محمد بن خالد) مستقیماً از ابوهاشم جعفری و مسنداً از امام جواد عليه السلام روایت می‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. البته همان‌طور که در ابتدای این بخش ذکر شد، احتمال دیگر - هر چند که مرجوح است -، نقل کلینی و محدثین دیگر از کتاب‌های برقی است. در این فرض، برقی روایت را از ابوهاشم شنیده و در کتاب خود وارد کرده است. البته در این فرض نیز به علت امکان دسترسی به اکثر کتاب‌های وی در قرون اولیه (شیخ طوسی به دسترسی خود به شماری از کتاب‌هایی با عنوان *المحاسن* تصریح می‌کند. (طوسی، محمد بن حسن، همان، ۲۵-۳۵))، تحریف در نقل از او، قابل مشاهده بود و به نگاشته‌های بعدی تسری نمی‌یافت.

۲. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، ۲/۳۳۲.

۳. همان‌گونه که اشاره شد، سند متفاوت این دو حدیث خود شاهی بسیار مهم است که نشان می‌دهد منبع کلینی و دیگران در نگارش این حدیث، *المحاسن* نبوده است، بلکه باید منبعی متقدم بر هر دو (کلینی و برقی) وجود داشته که این خبر از آن گرفته شده است.

بنابراین دو تفاوت اصلی سندی بین این دو نقل وجود دارد: تفاوت نخست مرتبط با حضور برقی پدر است؛ و تفاوت دوم در امامی است که روایت از او نقل شده است. در مورد تفاوت نخست، این ابهام وجود دارد که اگر اصل خبر، روایتی یکسان و متعلق به کتاب ابوهاشم جعفری بوده است که برقی پسر بدون حضور پدرش، جزء سلسلهٔ راویان این کتاب بوده، چرا باید در سند این حدیث در کتاب *المحاسن* نام پدر وی نیز ذکر شده باشد؟

به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال در گروی تمرکز بر منابع برقی پسر در نگارش کتاب *المحاسن* باشد. از آنجاکه حدیث خضر در کتاب *العلل المحاسن* آمده، در همین راستا تمام ۱۳۰ حدیث کتاب *العلل* را به دقت بررسی کرده<sup>۱</sup> و کوشیدیم با مقایسهٔ اسناد آن‌ها با دیگر نقل‌های برقی و اطلاعات موجود در فهرست‌های متقدم، منابع آن‌ها را از *المحاسن* استخراج کنیم. حاصل بررسی به صورت جدول پیوست، قابل مشاهده است. نتیجهٔ این بررسی به شرح زیر است:

۱. ۹۱ حدیث به نقل از پدر نویسنده، محمد بن خالد برقی (یا برقی پدر) است.
۲. ۱۵ حدیث<sup>۲</sup> به نقل از محمد بن علی ابوسمینه بوده که وی کتاب‌هایی مانند کتاب‌های حسین بن سعید داشته است. البته بیشترین احادیث (تمام آن‌ها به غیر از حدیث ۳۸ و ۵۸) از ابوسمینه از محمد بن اسلم نقل شده که طبق قرائنی<sup>۳</sup>

۱. بر اساس جست‌وجوی نویسنده، تاکنون هیچ پژوهش کاملی دربارهٔ اسناد و منابع *المحاسن* به خصوص کتاب *العلل* انجام نشده است. تنها یک مقاله به فرانسوی دربارهٔ کتاب *العلل المحاسن* نگاشته شده که آن نیز به بررسی محتوا پرداخته است. رک: Vilozny, Réflexions sur le Kitab al-'Ilal d'Ahmad b. Muhammad al-Barqi (m. 274 ou 280) ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۵۸، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶. حدیث ۱۲ از دو منبع نقل شده است.

۳. مهم‌ترین قرینه، تعلیق بر محمد بن اسلم در روایات ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۳ با توجه به اسناد روایات قبلی است.



- بهتر آن است که منبع این ۱۳ حدیث را کتاب محمد بن اسلم طبری در نظر بگیریم که ابوسمینه راوی آن بوده است.<sup>۱</sup>
۳. ۶ حدیث (احادیث ۱۸، ۷۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۵) از کتاب ابویوسف یعقوب بن یزید الأنباری السلمی نقل شده است.<sup>۲</sup>
۴. احادیث ۸۱، ۸۲ و ۹۴ از کتاب الجامع فی الفقه از علی بن محمد القاسانی انتخاب شده است.<sup>۳</sup>
۵. حدیث ۶۱ و ۱۰۳ (و حدیث ۶، ۲۱ و ۴۹ با واسطه پدرش) از یکی از کتاب های حسن بن محبوب اخذ شده که برقی یکی از راویان آن بوده است.<sup>۴</sup>
۶. حدیث ۹۷ از عبدالله بن الصلت أبو طالب القمی که برقی راوی آن بوده است.<sup>۵</sup>
۷. حدیث ۹۸ از کتاب علی بن حسان الواسطی که برقی راوی آن بوده است.<sup>۶</sup>
۸. برای دوازده حدیث باقی مانده نیز می توان احتمالاتی داد که به دلیل پراکندگی و کمبود قرائن از ذکر آن ها صرف نظر می کنیم.<sup>۷</sup>

۱. محمد بن اسلم الطبری الجبلی، ... آخریننا أبو الحسن أحمد بن محمد بن موسی قال: آخریننا أبو علی بن همام قال: حدثنا عبید بن کثیر عن محمد بن علی عن محمد بن اسلم بکتابه. (نجاشی، احمد بن علی، همان، مدخل ۹۹۹) لازم به ذکر است در سند حدیث ۲۹، محمد بن اسلم به علی بن اسلم تصحیف شده است.
۲. همان، مدخل ۱۲۱۵. حدیث ۹۵ به نقل از محمد بن خالد و یعقوب بن یزید است.
۳. همان، مدخل ۶۶۹.
۴. طوسی، محمد بن حسن، همان، ۱۶۲. گفتنی است برقی در المحاسن بیش از ۱۱۰ بار مستقیماً از کتاب های حسن بن محبوب نقل کرده است و تنها در کتاب العلیل (حدیث ۶، ۲۱ و ۴۹) با واسطه پدرش از او روایت نقل می کند.
۵. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۵۶۴؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۴۴۹.
۶. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۷۲۶؛ طوسی، محمد بن حسن، همان، ۳۹۴.
۷. درباره منابع ۸ حدیث از این ۱۲ حدیث باقیمانده می توان احتمالاتی داد: حدیث ۱۵ و ۱۱۶ از یکی از کتاب های حسن بن علی بن فضل، حدیث ۶۰ و ۸۰ از کتاب نوادر ابراهیم بن هاشم (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۱۸)، حدیث ۸۶ و ۱۳۰ از یکی از کتاب های الجامع یا نوادر احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی (همان، ۱۸۰)، حدیث ۸۴ از کتاب عبدالله بن محمد صاحب الحجال و حدیث ۳۲ نیز از کتاب حسن بن علی الوشاء، نقل شده باشد.

همان طور که مشخص است، حدود ۷۰ درصد (۹۱ حدیث) نقل های برقی در کتاب العلل به نقل از پدرش است؛ در حالی که در سرتاسر کتاب المحاسن، برقی پدر در کمتر از ۲۸ درصد روایات حضور دارد.<sup>۱</sup> اگر این نتیجه را در کنار این داده تاریخی بگذاریم که محمد بن خالد (برقی پدر) نیز، کتابی با همین نام (کتاب العلل) داشته<sup>۲</sup>، مشخص می شود که در واقع احمد بن محمد بن خالد (برقی پسر) در هنگام نگارش کتاب المحاسن، کتاب العلل پدر خویش را مبنا قرار داده است. از همین رو باید باشد که وی در کتاب العلل از بسیاری مشایخ بلا واسطه خود، با واسطه پدرش نقل کرده<sup>۳</sup> یا با وجود داشتن امکان نقل مستقیم چند حدیث، سند منقول از پدرش را به صورت مرفوع ثبت کرده است.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر اتکای برقی بر کتاب پدرش، موجب شده که در این بخش از المحاسن، با نقل های با واسطه برقی پسر از مشایخی مواجه شویم که طبق طرق موجود در فهرس، او مستقیماً کتاب آن ها را روایت کرده، اما به هنگام نقل روایت آنان در کتاب العلل، نقل خود را با واسطه پدرش مقید ساخته است.<sup>۵</sup> بنابراین نتیجه

۱. محاسبه درصد نقل از محمد بن خالد در المحاسن در پژوهش های مختلف، به نتایج متفاوتی منجر شده است: ۲۸٪ (Newman, The Formative Period of Twelver Shiism, p. 53)، ۲۷،۹٪ (قربانی زرین، رضا، همان، ۲۵) و ۲۶،۵۱٪ (حسینی، سید علیرضا و دیگران، بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی، مجله پژوهش های قرآن و حدیث، ۵۹/۴۵). طبق بررسی انجام شده در منبع آخر، درصد نقل احمد بن محمد برقی از پدرش در دیگر بخش های مجلد دوم المحاسن از این قرار است: کتاب السفر: ۲۳٪، کتاب المآل: ۲۵،۴٪، کتاب الماء: ۲۱٪، کتاب المنافع: ۱۲،۱٪، کتاب المرافق: ۲۴،۷٪.

۲. نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۳۵.

۳. برقی در سرتاسر المحاسن، مستقیماً از ابن ابی عمیر و... روایت می کند، اما در کتاب العلل تمامی نقل های او از این مشایخ به نقل از پدرش است.

۴. در چندین روایت این امر قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، ح ۷۹ از کتاب العلل: «و عن عنه عن أبيه رفع الحديث قال قال جعفر بن بشير وحدثني محمد بن الحسين عن جعفر بن بشير...»

۵. مانند نقل با واسطه پدرش از علی بن نعمان (کتاب العلل، ح ۴)؛ در حالی که برقی راوی کتاب او بوده (طوسی، محمد بن حسن، همان، ۲۸۲) یا نقل با واسطه از علی بن حکم (ح ۵) که برقی یکی از درواری معروف این کتاب بوده است. (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۲۷۱) از همین

می‌گیریم که مهم‌ترین منبع برقی در نگارش کتاب العلیل المحاسن، کتاب پدرش بوده و ۹۱ حدیث، از جمله حدیث خضر نیز، از همین کتاب اخذ شده‌اند.<sup>۱</sup>

با فهم این نکته، می‌توان از راز تفاوت صدر اسناد حدیث خضر در نقل المحاسن با دیگر نقل‌ها پرده برداشت؛ در حقیقت، برقی پدر، برخی از روایات ابوهاشم جعفری را در کتاب العلیل خود آورده بوده که برقی پسر نیز این روایات را در کتاب العلیل المحاسن به نقل از پدرش نقل کرده<sup>۲</sup> و طبعاً به هنگام نقل آن‌ها، دیگر به کتاب ابوهاشم جعفری رجوع نکرده است.<sup>۳</sup> این در حالی است که محدثین بعدی که کتاب ابوهاشم جعفری را از طرق مختلف در اختیار داشته‌اند، به هنگام نقل همین روایات از کتاب ابوهاشم، نام طریق خود (بعضاً نام برقی و بعضاً نام دیگر راویان کتاب) را در سند نقل این احادیث ذکر کرده‌اند.<sup>۴</sup>

در مورد تفاوت دوم سندها، یعنی تفاوت در امامی که حدیث به او منسوب شده

قرار است نقل با واسطه او در کتاب العلیل از محسن بن أحمد قیسی (ح ۹)، إسماعیل بن مهران (ح ۱۶)، عمرو بن عثمان الخزاز (ح ۱۹) و... گذشته از اثر منابع مکتوب در نقل‌های با واسطه برقی در المحاسن، در کتاب‌های فهرستی با آثاری مواجه هستیم که برقی یک بار بی‌واسطه و یک بار با واسطه یکی از مشایخش در طریق آن‌ها قرار دارد؛ مانند طرق کتاب زکریا بن آدم (طوسی، محمد بن حسن، همان، ۲۰۷)

۱. البته برقی پدر نیز به نوبه خود، ۱۳ روایت از این روایات را از کتاب العلیل حسین بن سعید (نجاشی، احمد بن علی، همان، مدخل ۱۲۰۸) و روایت ۱۶ را از کتاب العلیل إسماعیل بن مهران (طوسی، محمد بن حسن، همان، مدخل ۳۲) اخذ کرده است. حدیث ۱۲ کتاب نیز در این دو منبع مشترک بوده است.

۲. احادیث ۸۳ و ۹۹ از کتاب العلیل.

۳. هر چند احتمال دارد این بخش از کتاب المحاسن قبل از آن زمانی نگاشته شده باشد که برقی کتاب ابوهاشم را مستقیماً از نویسنده‌اش اجازه گرفته است.

۴. غیر از حدیث خضر (ح ۹۹)، ح ۸۳ نیز با طرق مختلف به نقل از ابوهاشم در نگاشته‌های محدثین بعدی ثبت شده است. رک: کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/۱۱۸، ح ۱۲؛ ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ۸۳، ح ۱ و ۲؛ نقل کامل و بدون تقطیع این حدیث: طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ۴۴۱/۲.

است، باید گفت اولاً آشنایان با حدیث شیعه از دیدن نقل های یک حدیث یکسان از امامان مختلف تعجب نمی کنند؛ چراکه امامان بارها حدیث خود را منقول از حدیث پدرانشان دانسته بودند<sup>۱</sup> و در بسیاری از اوقات امامان متأخر به این امر تصریح نیز می کردند و حدیث را به نقل از امامان متقدم روایت می کردند. ثانیاً این امر خاص حدیث خضر نیست؛ مثلاً در حدیث معروف دیگری نیز که به نقل از امام جواد علیه السلام است<sup>۲</sup>، می بینیم همین حدیث در کتاب *المحاسن* به صورت «رفعه قال: قال: أبو عبد الله علیه السلام: ...» ضبط شده است.<sup>۳</sup> همچنین موارد دیگری را نیز در *المحاسن* می توان یافت که در آن ها یک حدیث با طریق مشترک به نقل از دو امام آمده باشد.<sup>۴</sup> ثالثاً ماجرای سؤال و جواب خضر، طبق اشاره نعمانی، از امام جواد علیه السلام به نقل از پدرانشان بوده است: «عن أبي جعفر محمد بن علي علیه السلام عن آبائه علیهم السلام؛ بنابراین کاملاً محتمل است که در کتاب ابوهاشم جعفری، امام جواد علیه السلام این حدیث را به نقل از آبائشان از امام صادق علیه السلام نقل فرموده باشند و اکثر محدثین بعدی، همان گونه که شیوه شیعه امامیه بوده است<sup>۵</sup>، آن را از آخرین امام (امام جواد علیه السلام) و برقی آن را از اولین امام موجود در سند (امام صادق علیه السلام) نقل کرده باشد. مراجعه به کتاب *المحاسن* و

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۵۳/۱، ح ۱۴.

۲. المؤمن يحتاج إلى خصال: توفيق من الله و واعظ من نفسه و قبول ممن ينصحه (مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۶۵/۷۲).

۳. عنه عن محمد بن عيسى عن بعض أصحابه رفعه قال قال أبو عبد الله علیه السلام لا يستغنى المؤمن عن خصلة وبه الحاجة إلى ثلاث خصال توفيق من الله عز وجل و واعظ من نفسه و قبول ممن ينصحه (برقی، احمد بن محمد، همان، ۶۰۴/۲).

۴. جالب ترین نمونه آن، روایت دیگری از ابوهاشم جعفری است: «عنه عن محمد بن عيسى عن أبي هاشم الجعفری قال أخبرني الأشعث بن حاتم أنه سأل الرضا علیه السلام عن شيء من التوحيد فقال... عنه عن محمد بن عيسى عن أبي هاشم عن أبي جعفر علیه السلام نحوه». (همان، ۲۳۹/۱، ح ۲۱۵)

۵. این شیوه محدثین شیعه در نگه نداشتن سلسله سند منقول از هرامام و متقابلاً شیوه اهل سنت در نقل متصل از امامان شیعه از پدرانشان (عن أبيه عن...)، در مقایسه اسناد احادیث مشترک در شیعه و اهل سنت، به سادگی قابل مشاهده است.

دقت در مواردی که در آن عبارت «عن آبائه» آمده است، این احتمال را تأیید می‌کند: برقی در ۱۱۱ حدیث المحاسن، روایت از ائمه را با قید «عن آبائه» مقید کرده که غیر از موارد نقل از مشایخ سنی مانند سکونی، در اکثر موارد، این احادیث به نقل از پدر اوست. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد پدر وی (محمد بن خالد) در بسیاری از مواقع، سلسله اسناد را از امامی تا امام دیگر ادامه می‌داده است. بدین ترتیب درباره حدیث خضر نیز می‌توان گفت که برقی پدر این سلسله را به صورت «رفعه عن ابی عبدالله علیه السلام» درآورده است.<sup>۱</sup>

### ۳- علت ذکر نشدن اسامی در نقل المحاسن

پس از آن که روشن شد منبع نقل حدیث خضر در کتاب‌های محدثین پسین تراز برقی، کتاب المحاسن نبوده، بلکه منبعی متقدم بر تمام این مصادر، یعنی کتاب ابوهاشم جعفری بوده است؛ ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا کتاب المحاسن حاوی اسامی ائمه علیهم السلام نیست؟ به عبارت دیگر، اگر برقی مطابق با سند کلینی، این حدیث را با نام تمام ائمه از طریق ابوهاشم در اختیار داشته، چرا خود آن را در کتاب المحاسن نیاورده است؟

قبل از هر پاسخی دوباره خاطر نشان می‌سازیم که با توجه به از دست رفتن اکثر ابواب کتاب المحاسن و نیز دیگر کتاب‌های برقی، ما نمی‌دانیم که آیا برقی نقل کامل این حدیث را جایی ثبت کرده بوده یا خیر؟ از این رو نفیاً یا اثباتاً نمی‌توان در این باره قضاوت کرد؛ اما اگر درباره نقلی از حدیث خضر که در کتاب العلل المحاسن موجود

۱. لازم به ذکر است برخلاف محاسبه نویسندگان مقاله بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی، ارسالات برقی پدر در کتاب المحاسن، قابل توجه است. از ۸۶۸ حدیث محمد بن خالد در المحاسن فعلی، دست‌کم در ۹۲ حدیث به ارسال تصریح شده است. (این عدد با جست‌وجوی عباراتی مانند «رفعه/الحدیث»، «مرسلاً»، «عمن رواه/ذکره» به دست آمده است.) این میزان ارسال (بیش از ۱۰٪)، با توصیفی که در رجال ابن غضائری آمده («يعتمد المراسيل») نیز سازگار است. (ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، ۱/۹۳)

است اشکال شود، باید گفت که این سؤال از عدم آشنایی با روش حدیث نگاری برقی پسر و پدر ناشی شده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

در بین محدثین سنی و شیعه، تبویب کتاب‌ها و اینکه روایات مشابه را زیر یک موضوع آورده و قسمت‌های غیر مربوط با عنوان باب را نقل نکنند، از دیرباز امری مرسوم بوده است؛<sup>۱</sup> همچنان که خود برقی بار دیگر در همین کتاب المحاسن و در بخش کتاب العلل، در نقل حدیث ۶۳، فقط قسمت‌های مربوط به عنوان باب را از حدیث انتخاب نموده و به تقطیع خود تصریح نموده است: «جاء نفر إلى رسول الله ﷺ فقالوا في حديث سألوه عنه طويلا: يا محمد!...»<sup>۲</sup>. در حالی که نقل کامل این حدیث در دیگر کتاب‌ها، از جمله از طریق خود برقی اما با سندی دیگر، آمده است.<sup>۳</sup> در مورد حدیث خضر منقول در المحاسن نیز باید توجه کرد که این حدیث در کتاب العلل آمده است که هدف از نگارش آن، بیان علت نقل پدیده‌های مختلف است، نه اعتقادات و امامت؛ لذا او سؤالات خضر و پاسخ‌های امیرالمؤمنین عليه السلام را که به این موضوع مرتبط بوده در آنجا ذکر کرده و آخر روایت را که شامل نام تمام ائمه بوده و به عنوان باب ارتباطی نداشته، با عبارت «حتى اتى على آخرهم» خلاصه کرده است.<sup>۴</sup> کما این که وقتی شیخ کلینی این روایت را در کتاب الحجه الکافی نقل می‌کند، از ذکر پاسخ‌های داده شده به سؤالات خضر که در ارتباط با موضوع باب نیست، صرف نظر کرده است.

برای روشن تر شدن علت تفاوت متن حدیث خضر در نقل برقی با دیگران، آگاهی از شیوه برقی در تقطیع و خلاصه‌سازی احادیث نقش مؤثری دارد. لذا باز هم به سراغ

۱. تقطیع احادیث، اختصاص به جوامع متأخر ندارد؛ بلکه در کتب اربعه هم نمونه‌های بسیاری را می‌توان یافت؛ رک: مهدوی‌راد، محمدعلی و دیگران، بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات، مجله علوم حدیث، ۱۳۵.

۲. برقی، احمد بن محمد، همان، ۳۲۲/۲.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ۱۸۷.

۴. جالب است که برقی در حدیث دیگری نیز از عبارت مشابه «إلى آخره» برای نشان دادن تقطیع غیرمُحَلِّ خود، استفاده کرده است. (برقی، احمد بن محمد، همان، ۹۳/۱)

بررسی آماری احادیث کتاب العلل می‌رویم. با تطبیق دادن احادیث کتاب العلل المحاسن با نقل‌های مشابه آن در دیگر کتاب‌ها، متوجه وجود تفاوت‌هایی در متون تعداد زیادی از این احادیث می‌شویم.

در جدول پیوست، سعی شده است احادیث مشابه با اخبار کتاب العلل المحاسن در دیگر کتاب‌های حدیثی، از جهت متنی با هم مقایسه گردند. اگر چندین روایت مشابه یافت می‌شد، روایتی ترجیح داده می‌شد که اولاً متقدم‌تر بوده و ثانیاً سند آن بیشترین مشابهت را با سند برقی در المحاسن داشته باشد. در فرآیند مشابه‌یابی برای هر روایت المحاسن، پنج حالت زیر رخ داد (هر حالت با تعداد موارد رخدادش آمده است):

- ۱- یافت نشدن هیچ روایت مشابهی. (۳۲ روایت)
- ۲- نقل از محاسن: وجود روایت مشابه با همان سند برقی در المحاسن. (۶ روایت)
- ۳- نقل از برقی: وجود روایت مشابه به نقل از برقی اما با سندی متفاوت از المحاسن. (۹ روایت)
- ۴- نقل از منبع برقی: وجود روایت مشابه بدون وساطت برقی اما به نقل از منبع برقی<sup>۱</sup>. (۴۸ روایت)
- ۵- نقل مستقل: وجود روایت مشابه با سندی متفاوت، بدون نقل از برقی یا منبع برقی. (۳۵ روایت)

در همان ابتدای امر مشخص گردید که از ۹۸ روایتی که مشابهی برای آن‌ها یافت شد، ۳۵٪ روایات در نقل المحاسن تقطیع یا خلاصه شده‌اند؛ اما برای دقت بیشتر آمار به نظر می‌رسید که بهتر باشد تنها روایاتی مد نظر قرار گیرند که با نقل المحاسن، منبعی مشترک نیز داشته باشند؛ چراکه در غیر این صورت، علت تفاوت متن را نمی‌توان لزوماً در شیوه برقی منحصر دانست. در این بین، روایات دسته ۲ و ۳ و ۴ برای ما اهمیت دارد

---

۱. با توجه به اینکه عمده روایات این بخش از برقی پدراست، منظور از منبع برقی در این حالت، منبع برقی پدر یا پسر است.

که مجموعاً ۶۳ روایت هستند. تعداد احادیث این سه دسته، چیزی در حدود ۴۰٪ تمامی روایات کتاب العلیل می‌شود که در آن‌ها تقطیع یا خلاصه‌سازی صورت گرفته است. این عدد به خصوص از آن جهت قابل توجه است که بسیاری از این موارد، در جهت حذف توضیحات نامربوط به موضوع باب بوده است.

برای مقایسه دقیق‌تر با مورد حدیث خضر، اگر دامنه روایات مشابه را به کتاب الکافی محدود سازیم، از ۶۵ روایت دارای مشابه در الکافی، ۴۱ روایت در سه دسته فوق‌الذکر قرار می‌گیرند که پس از تطبیق با روایت مشابه در الکافی، معلوم می‌گردد که ۳۹٪ آن‌ها خلاصه شده‌اند. می‌بینیم که درصد تقطیعات، تغییر محسوسی نکرد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که برقی (پدر یا پسر) در جهت تبویب بهتر یا به خاطر التزام به اختصار، به تقطیع و خلاصه‌سازی<sup>۱</sup> روایات می‌پرداخته که این شیوه او، با بررسی تطبیقی روایات کتاب العلیل به خصوص روایات بلند آن، قابل مشاهده است.<sup>۲</sup>

از آنچه بیان شد به اختصار می‌توان نتیجه گرفت که برقی یا پدرش در حداقل کتاب العلیل المحاسن، اخبار را به صورت خلاصه شده نقل کرده و تنها بخش‌های مرتبط با عنوان باب را آورده‌اند. این مطلب می‌تواند وجه قابل قبولی برای کوتاه‌تر بودن نقل حدیث در المحاسن باشد؛ به ویژه وقتی بدانیم که بخش ذکر شده از پاسخ‌های امام حسن علیه السلام نیز طبق نقل‌های باقی‌مانده در دیگر نگاهشده‌ها، مشخصاً خلاصه شده و از نظر تعداد کلمات، حدوداً به نصف تقلیل یافته است<sup>۳</sup>؛ لذا جا دارد ادعا کنیم برقی

۱. لازم به ذکر است در اکثر قریب به اتفاق روایات بلندی که در ستون آخر جدول پیوست با «تقطیع در محاسن» مشخص شده‌اند، آنچه مشاهده می‌شود خلاصه‌سازی بخشی طولانی از روایت است و نه لزوماً تقطیع (نقل تنها بخش مربوط از روایت).

۲. علاوه بر بررسی تطبیقی با دیگر کتب، در المحاسن روایاتی با سند و متن یکسان را می‌توان یافت که در بار دوم نقلشان اندکی خلاصه شده‌اند؛ به عنوان نمونه، حدیث ۸۷ در ۲/۳۲۹، با حدیث ۲۲۵ در ۱/۲۴۱ مقایسه شود. در حدیث دوم، تمامی عبارت «فقلت: لا والله! ما أدري إلا أني أراه أكبر» به «فقلت الله أكبر» خلاصه شده است.

۳. پاسخ سؤالات حضرت خضر علیه السلام در الغيبة نعمانی، حدود ۲۳۰ کلمه و در المحاسن حدود ۱۲۰ کلمه است.



به مانند شیوه خود در نقل دیگر احادیث بلند، بخش اعظم شهادت خضر را که طبق نقل الکافی، حدود ۱۳۰ کلمه بوده است، با عبارت ۴ کلمه‌ای «حتی اقی علی آخرهم» جایگزین کرده است. همچنین باید توجه داشت که این عبارت که برقی یا پدر او، از آن برای خلاصه‌سازی بهره برده است، به خودی خود نشان‌گر آن است که نزد وی تعداد و نام ائمه معلوم بوده است و تحلیل برخی از محققین غربی مبنی بر نامعلوم بودن تعداد ائمه برای محدثین پیش از غیبت، انگاره‌ای ناصواب است.<sup>۱</sup> با توجه به توضیحات بالا، به هیچ‌عنوان از آن نمی‌توان نامعلوم بودن امامان دیگر نزد او را برداشت کرد.<sup>۲</sup>

گذشته از این موارد، باید اضافه کرد که نقل برقی در کتاب العلل خالی از اضطراب نیست. جمله ذکر شده در انتهای نقل او که هویت حضرت خضر علیه السلام را معین می‌سازد، طبعاً باید از امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، ولی در پاسخ پرسش فردی نامعلوم، از امام صادق علیه السلام نقل شده است. ممکن است احتمال داده شود که این امر به خاطر نقل شدن حدیث خضر (در المحاسن) از امام صادق علیه السلام بوده و لذا این جمله نیز از ایشان نقل می‌شود؛ اما باید توجه داشت که علی بن ابراهیم قمی در

۱. اگر به موضوع باب (علت‌ها) هم توجه نکنیم، این خلاصه‌سازی برقی بازم قابل درک است؛ می‌دانیم که برقی (یا پدرش) در اواخر عصر حضور می‌زیسته‌اند که دوره جانشینی امامان به انتها نزدیک شده بود و دیگر نیازی به ذکر نام ائمه بعدی نبوده است؛ چراکه از دوازده امام تنها امام دوازدهم باقی مانده بود که شیعیان از قبل منتظر ایشان بوده‌اند. آندره نیومن در تحلیل خود از علت تفاوت دو حدیث، تلویحاً به این وجه (عدم ضرورت ذکر اسامی در آن زمان) اشاره کرده است. ر.ک: Newman, Andrew, The Formative Period of Twelver Shiism, p. 66, n. 53.
۲. همان‌گونه‌وی در خلاصه‌سازی حدیثی دیگر از کتاب العلل (روایت ۲۳) نام حسنین علیه السلام را که در انتهای اصل روایت آمده، نیاورده و ذکر آنان را ملحق به نام پدرشان امیرالمؤمنین علیه السلام کرده است. همچنین در حدیث دیگری از محاسن (۹۸/۱)، ذکر ائمه علیه السلام از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام با عبارت «من لدن امیرالمؤمنین علیه السلام إلى آخرهم» خلاصه شده است. لازم به ذکر است عبارت «آخرهم» در این احادیث به تنهایی نشان می‌دهد که نزد برقی، تعداد ائمه محدود و محصور بوده است؛ در غیر این صورت، واژه «آخرهم» معنا ندارد. وی با آوردن لفظ «آخرهم»، به‌طور ضمنی به مشخص بودن آخرین امام که ذکر او در حدیث ۱۲۶ همین کتاب العلل رفته نیز، اشاره کرده است.

تفسیر خود، حدیث خضرا را از غیر طریق برقی و ابوهاشم و با سندی منتهی به امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup> مقایسه نقل برقی با نقل تفسیر قمی، حاکی از آن است که نقل المحاسن نمی تواند از امام صادق باشد؛ چراکه در تفسیر قمی نیز این امیرالمؤمنین علیه السلام است که هویت خضرا را بیان می کند.

علاوه بر این با توجه به دیگر نامه خوانی های موجود در متن حدیث منقول در المحاسن<sup>۲</sup>، به نظر می رسد این اضطراب ها ناشی از آن باشد که محمد بن خالد، حدیث خضرا نه از روی کتاب ابوهاشم، که به اتکای حافظه خود ثبت کرده است. با توجه به سن برقی و ابوهاشم و زمان احتمالی ملاقات آن دو<sup>۳</sup> نتیجه می گیریم که ابوهاشم در اواخر عمر خود کتابش را به برقی پسر اجازه داده بوده است؛ بنابراین در زمان حیات برقی پدر<sup>۴</sup> (یعنی در حدود ۳۰ سال قبل از اجازه کتابش به برقی پسر) به احتمال زیاد هنوز کتاب خود را تکمیل نکرده بوده و این ماجرا نهایتاً به طور شفاهی و متکی بر حافظه، در کتاب محمد بن خالد برقی ثبت شده است.

۱. ابتدای این نقل حدیث خضرا با ذکر نام تمامی ائمه علیهم السلام این گونه است: فحدثنی ابي عن يوسف بن ابي حماد عن ابي عبدالله علیه السلام قال: ... و عنه قال: اقبل أمير المؤمنين علیه السلام يوما و یده علی عاتق سلمان و معه الحسن علیه السلام حتی دخل المسجد ... (قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر، ۴۴/۲) به نظر می رسد نام راوی آخر، تصحیف شده «یوسف بن حماد» باشد که به گزارش نجاشی (۴۵۱) راوی کوفی و صاحب کتابی بوده است. از دوره حیات او اطلاعی در دست نیست، اما طبق سند شیخ صدوق، وی برادر محمد بن حماد بوده است (ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ۴۴۸/۲) که پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می کرده است (نجاشی، احمد بن علی، همان، ۳۷۱)؛ بنابراین نقل او از امام نیز محتمل است؛ به خصوص اگر بدانیم طبق روایتی در قصص الانبیاء راوندی (۱۵۸) وی روایتی را از مفضل (بازهم درباره خضر) نقل کرده است.

۲. در نقل المحاسن پرسش خضر در باب شباهت فرزند به پدرش نیز، با پاسخ داده شده همخوانی کامل ندارد.

۳. ن.ک: پاورقی های ۵ و ۶ ص ۲۲۷ و پاورقی ۲ ص ۲۲۹ همین مقاله.

۴. حوالی سال ۲۲۰ (قربانی زرین، رضا، همان، ۱۴).

## نتیجه‌گیری

بررسی تحلیلی اسناد حدیث شهادت خضر علیه السلام بردوازده امام علیهم السلام نشان می‌دهد این خبر با ذکر کامل اسامی ائمه علیهم السلام در کتاب ابوهاشم جعفری که از ثقات اصحاب ائمه بوده، وجود داشته است. سپس از آن کتاب به آثاری چون کتاب الکافی کلینی و دیگر منابع حدیثی امامیه در قرن سوم و چهارم راه یافته است. بررسی آماری احادیث کتاب العلل که در این مقاله صورت گرفته است، نه تنها به منبع یابی حدیث خضر کمک می‌رساند، بلکه از علت وجود تفاوت در نقل برقی و دیگران نیز رمزگشایی می‌کند. منبع نقل حدیث خضر و ۷۰ درصد احادیث کتاب العلل، کتابی از پدر برقی با همان نام کتاب العلل بوده است که برقی پسر برای نقل احادیث این بخش، به طور کامل بر نقل پدر اتکا کرده است و از این روی نام او به عنوان واسطه نقل در سند اضافه شده است. از طرف دیگر، معلوم شد که شیوه برقی پدر، خلاصه‌سازی اسناد بوده که به مرفوع شدن آن‌ها می‌انجامیده است. این شیوه موجب شده تا نقل امام جواد علیه السلام از آبائشان از امام صادق علیه السلام، در سند اصلی حدیث به سند «رفعه عن الصادق علیه السلام» در نقل المحاسن تقلیل پیدا کند. همچنین رمز تفاوت متن احادیث نیز، در شیوه برقی پدر یا پسر در تقطیع و خلاصه‌سازی احادیث متناسب با موضوع و عنوان باب خود نهفته است که اثر خود را در حدود ۴۰ درصد احادیث این بخش نشان داده است. همچنین توجه به سن راویان و اضطراب حدیث در نقل المحاسن، نمایانگر نقل شفاهی برقی پدر است.

## جدول پیوست:

بررسی تطبیقی احادیث کتاب العلل از المحاسن ( با ذکر منبع نقل)  
با احادیث مشابه در کافی و دیگر کتب حدیثی

شماره حدیث در کتاب العلل	صاحب کتاب منبع	نقل مشابه حدیث	وضعیت نقل مشابه	وضعیت تقطیع
۱	محمد بن خالد	-		
۲	محمد بن خالد	کافی، ۸، ۲۴۳	نقل از برقی	تقطیع در محاسن
۳	محمد بن خالد	کافی، ۲، ۴۵۵	نقل از برقی	-
۴	محمد بن خالد	بصائر الدرجات، ۳۲۸، ۱	نقل از منبع برقی	تقطیع در محاسن
۵	محمد بن خالد	-		
۶	محمد بن خالد	کافی، ۶، ۳۵	نقل از منبع برقی	تقطیع در نقل مشابه
۷	محمد بن خالد	کافی، ۵، ۳۸۲	نقل مستقل	-
۸	محمد بن خالد	کافی، ۴، ۹۰	نقل مستقل	تقطیع در محاسن
۹	محمد بن خالد	-		
۱۰	محمد بن أسلم	کافی، ۷، ۳۶۹	نقل از برقی	تقطیع در محاسن
۱۱	محمد بن خالد	کافی، ۷، ۴۰۳	نقل از منبع برقی	تقطیع در نقل مشابه
۱۲	محمد بن خالد	تهذیب، ۳، ۳۲۸	نقل از منبع برقی	-
۱۳	محمد بن خالد	کافی، ۳، ۵۵۰	نقل از منبع برقی	-
۱۴	محمد بن خالد	-		
۱۵	ابن فضال	کافی، ۳، ۵۷۷	نقل از منبع برقی	-
۱۶	محمد بن خالد	کافی، ۷، ۳۴۹	نقل مستقل	-
۱۷	محمد بن أسلم	کافی، ۷، ۲۰۶	نقل مستقل	-

		-	یعقوب بن یزید	۱۸
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۷، ۱۸۵	محمد بن خالد	۱۹
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۷، ۱۷۹	محمد بن خالد	۲۰
	تقطیع در محاسن	کافی، ۳، ۹۴	محمد بن خالد	۲۱
	تقطیع در محاسن	کافی، ۳، ۹۲	محمد بن خالد	۲۲
	تقطیع در محاسن	کافی، ۷، ۱۸۵	محمد بن خالد	۲۳
	تقطیع در نقل مشابه	کافی، ۴، ۳۷۴	محمد بن أسلم	۲۴
-	نقل مستقل	کافی، ۶، ۲۴۵	محمد بن أسلم	۲۵
	تقطیع در محاسن	کافی، ۵، ۴۹۸ و اختصاص، ۲۱۸	محمد بن أسلم	۲۶
	تقطیع در محاسن	کافی، ۳، ۷۲	محمد بن خالد	۲۷
-	نقل از برقی	کافی، ۶، ۴۹۹	محمد بن أسلم	۲۸
	تقطیع در محاسن	کافی، ۳، ۴۳۳	محمد بن أسلم	۲۹
	تقطیع در محاسن	کافی، ۵، ۳۷۶	محمد بن أسلم	۳۰
-	نقل مستقل	کافی، ۳، ۲۰۸	محمد بن أسلم	۳۱
	تقطیع در محاسن	کافی، ۱، ۳۸۵	حسن بن علی الوشاء	۳۲
	تقطیع در محاسن	کافی، ۳، ۴۵۳	محمد بن أسلم	۳۳
	تقطیع در محاسن	علل الشرایع، ۲، ۳۲۷	محمد بن خالد	۳۴
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۳، ۲۲۷	محمد بن خالد	۳۵
		-	محمد بن خالد	۳۶
-	نقل مستقل	علل الشرایع، ۱، ۲۹۹	محمد بن خالد	۳۷
-	نقل مستقل	کافی، ۳، ۱۷۰	محمد بن علی	۳۸

-	نقل از منبع برقی	کافی، ۳، ۱۸۱	محمد بن خالد	۳۹
-	نقل مستقل	کافی، ۴، ۳۸۳	محمد بن خالد	۴۰
		-	محمد بن خالد	۴۱
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۵، ۴۹۹	محمد بن خالد	۴۲
-	نقل از محاسن	علل الشرایع، ۲، ۳۸۳	محمد بن خالد	۴۳
تقطیع در نقل مشابه	نقل از برقی	خصال، ۱، ۲۹۲	محمد بن خالد	۴۴
-	نقل مستقل	علل الشرایع، ۲، ۳۴۵	محمد بن خالد	۴۵
تقطیع در محاسن	نقل مستقل	کافی، ۵، ۹۳	محمد بن خالد	۴۶
-	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۵۴۲	محمد بن خالد	۴۷
-	نقل مستقل	کافی، ۳، ۴۹۸	محمد بن خالد	۴۸
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	کافی، ۳، ۵۴۸	محمد بن خالد	۴۹
		-	محمد بن خالد	۵۰
-	نقل مستقل	کافی، ۴، ۳۷۷	محمد بن خالد	۵۱
-	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۳۷۰	محمد بن خالد	۵۲
-	نقل مستقل	خصال، ۲، ۳۸۷	محمد بن خالد	۵۳
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۴، ۹۴	محمد بن خالد	۵۴
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۵، ۳۳	محمد بن خالد	۵۵
-	نقل مستقل	علل الشرایع، ۲، ۴۳۸	محمد بن خالد	۵۶
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۴۳۹	محمد بن خالد	۵۷
		-	محمد بن علی	۵۸

۵۹	محمد بن خالد	کافی، ۵، ۱۲۵	نقل از منبع برقی	-
۶۰	إبراهیم بن هاشم	کافی، ۲، ۵۲۰	نقل از منبع برقی	-
۶۱	حسن بن محبوب	-		
۶۲	محمد بن خالد	علل الشرایع، ۲، ۳۳۸	نقل از محاسن	-
۶۳	محمد بن خالد	امالی صدوق، ۱۸۷	نقل از برقی	تقطیع در محاسن
۶۴	محمد بن خالد	علل الشرایع، ۲، ۳۳۴	نقل مستقل	تقطیع در محاسن
۶۵	محمد بن خالد	-		
۶۶	محمد بن خالد	-		
۶۷	محمد بن خالد	کافی، ۳، ۳۴۶	نقل مستقل	-
۶۸	محمد بن خالد	-		
۶۹	محمد بن خالد	تهذیب، ۲، ۱۸۴	نقل مستقل	تقطیع در محاسن
۷۰	محمد بن خالد	-		
۷۱	حفص بن سالم أبوولاد الحنات	کافی، ۳، ۴۴۹	نقل از منبع برقی	-
۷۲	أیوب بن نوح	تهذیب، ۳، ۲۸۱	نقل از منبع برقی	تقطیع در محاسن
۷۳	محمد بن خالد	کافی، ۳، ۳۷۳	نقل مستقل	-
۷۴	محمد بن خالد	-		
۷۵	ابن فضال	-		
۷۶	یعقوب بن یزید	استبصار، ۱، ۴۲۲	نقل مستقل	-
۷۷	محمد بن خالد	-		
۷۸	محمد بن خالد	-		
۷۹	محمد بن خالد	-		

تقطیع در نقل مشابه	نقل مستقل	کافی، ۳، ۵۰۸	إبراهیم بن هاشم	۸۰
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	کافی، ۵، ۲۸	علی بن محمد القاسانی	۸۱
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۴۴۲	علی بن محمد القاسانی	۸۲
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	کافی، ۱، ۱۱۸	محمد بن خالد	۸۳
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	کافی، ۸، ۲۱۹	عبدالله بن محمد صاحب الحجال	۸۴
تقطیع در نقل مشابه	نقل مستقل	بصائر الدرجات، ۵۲۲، ۱	محمد بن خالد	۸۵
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	کافی، ۶، ۴۰۲	أحمد بن محمد بن أبي نصر	۸۶
-	نقل مستقل	کافی، ۱، ۱۱۸	یعقوب بن یزید	۸۷
-	-	-	یعقوب بن یزید	۸۸
-	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۵۷۰	محمد بن خالد	۸۹
-	-	-	العباس بن معروف	۹۰
-	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۴۱۵	محمد بن عیسی	۹۱
-	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۵۰۹	محمد بن خالد	۹۲
تقطیع در نقل مشابه	نقل از منبع برقی	کافی، ۴، ۱۸۴	محمد بن خالد	۹۳
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۲، ۸۵	علی بن محمد القاسانی	۹۴
تقطیع در محاسن	نقل مستقل	کافی، ۳، ۳۵۱	محمد بن خالد یعقوب بن یزید	۹۵



		-	محمد بن خالد	۹۶
		-	عبدالله بن الصلت	۹۷
		-	علی بن حسان الواسطي	۹۸
تقطیع در محاسن	نقل از برقی	کافی، ۱، ۵۲۵	محمد بن خالد	۹۹
-	نقل مستقل	علل الشرایع، ۱، ۸	محمد بن خالد	۱۰۰
-	نقل از محاسن	علل الشرایع، ۲، ۵۸۳	محمد بن خالد	۱۰۱
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۵، ۳۸۲	محمد بن خالد	۱۰۲
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۱، ۲۷۴	حسن بن محبوب	۱۰۳
تقطیع در محاسن	نقل از برقی	کافی، ۶، ۲۴۲	محمد بن أسلم	۱۰۴
		-	محمد بن علی	۱۰۵
-	نقل مستقل	کافی، ۶، ۲۴۵	محمد بن أسلم	۱۰۶
تقطیع در نقل مشابه	نقل مستقل	عیون اخبار، ۲، ۸۳	محمد بن خالد	۱۰۷
-	نقل از منبع برقی	کافی، ۱، ۶۵	محمد بن خالد	۱۰۸
-	نقل مستقل	علل، ۲، ۴۳۶	محمد بن خالد	۱۰۹
تقطیع در محاسن	نقل مستقل	کافی، ۴، ۱۹۱	محمد بن خالد	۱۱۰
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	تفسیر قمی، ۲، ۲۲۴	محمد بن خالد	۱۱۱
تقطیع در محاسن	نقل از منبع برقی	علل الشرایع، ۲، ۴۳۵	محمد بن خالد	۱۱۲
-	نقل از محاسن	علل الشرایع، ۲، ۳۹۹	محمد بن خالد	۱۱۳

۱۱۴	محمد بن خالد	علل الشرایع، ۲، ۳۹۸	نقل از منبع برقی	-
۱۱۵	محمد بن خالد	کافی، ۴، ۱۸۹	نقل از منبع برقی	-
۱۱۶	ابن فضال	کافی، ۴، ۵۶۱	نقل از منبع برقی	-
۱۱۷	محمد بن خالد	کافی، ۴، ۵۲۶	نقل مستقل	-
۱۱۸	محمد بن خالد	-		
۱۱۹	محمد بن خالد	-		
۱۲۰	محمد بن خالد	-		
۱۲۱	محمد بن خالد	-		
۱۲۲	محمد بن خالد	کافی، ۵، ۴۹۸	نقل از منبع برقی	تقطیع در نقل مشابه
۱۲۳	محمد بن خالد	-		
۱۲۴	محمد بن خالد	-		
۱۲۵	محمد بن خالد	-		
۱۲۶	محمد بن خالد	کافی، ۲، ۵۷۹	نقل از محاسن	-
۱۲۷	محمد بن خالد	کافی، ۴، ۴۸۹	نقل مستقل	تقطیع در نقل مشابه
۱۲۸	محمد بن خالد	کافی، ۴، ۵۱۹	نقل از منبع برقی	تقطیع در محاسن
۱۲۹	محمد بن خالد	کافی، ۴، ۱۸۴	نقل از منبع برقی	-
۱۳۰	أحمد بن محمد بن أبي نصر	کافی، ۴، ۴۲۸	نقل از منبع برقی	-

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب علیه السلام، ۴ جلد، علامه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
- ابوالصلاح الحلبي، تقی بن نجم، تقریب المعارف، ۱ جلد، الهادی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، الخصال، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
- \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۹۵ ق.
- ابن غضائری، أحمد بن الحسین، الرجال، دارالحديث، قم، ۱۳۶۴.
- اصفهانى، علی بن حسین (ابو الفرج)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
- الویری، محسن، نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشری، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۴.
- برقی، أحمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، دارالکتب الاسلامیة، قم، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، المحاسن، تحقیق سید مهدی رجائی، تحقیق سید مهدی رجائی، المجمع العالمی لأهل البيت، بی جا، ۱۴۳۲.
- \_\_\_\_\_، مکارم الاخلاق و مکارم الافعال من المحاسن، مصحح: محمد بركت، علوم الحديث، العدد ۵، ۱۴۲۰.
- \_\_\_\_\_، رجال، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳ ق.
- بهبودی، محمد باقر، معرفة الحديث، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲
- حسینی، سیدعلیرضا؛ بهرامی، علیرضا؛ بازخوانی سیره حدیثی محمد بن خالد برقی؛ پژوهش های قرآن و حدیث (مقالات و بررسی ها): دوره ۴۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- ضررازی حبلرودی، خضر بن محمد، التوضیح الأنور فی دفع شبه الأعور، محقق: سیدمهدی رجایی، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۸۳ ش.
- رحمتی، محمد کاظم، غیبت صغری و نخستین بحران های امامیه، تاریخ اسلام، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۵.
- سمعانی، عبد الکریم بن محمد، الأنساب، مصحح: عبد الرحمن بن یحیی معلمی، دائرة المعارف العثمانیة، حیدرآباد، بی تا.

شبیروی زنجانی، سید محمد جواد، نعمانی و مصادر غیبت (۱)، انتظار موعود، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۵

(منتسب به) صاحب بن عباد، نصره مذاهب الزیدیه، تحقیق ناجی حسن، الدار المتحدہ للنشر، بیروت، ۱۹۸۶ م

صدرائی خوبی، علی، کافی پژوهی در عرصه نسخه‌های خطی، محقق: حسینی اشکوری، صادق، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۷  
طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۲ جلد، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۱ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۹۰ ق.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، ۱ جلد، بعثت - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، رجال، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۳۷۳  
\_\_\_\_\_، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، ستاره، قم، ۱۴۲۰ ق.

عاملی نباطی، علی بن محمد، الصراط المستقیم إلى مستحقّی التقدیم، المكتبة الحیدریة، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۴ ق.

قربانی زرین، رضا؛ معارف، مجید؛ احمد بن محمد بن خالد برقی در آیینہ المحاسن، لسان صدق، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱.

\_\_\_\_\_، اصالت حدیث شیعه با رویکرد مقامات ائمه علیهم السلام تا پایان قرن چهارم (پایان نامه دکترا)، دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۹۳.

قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الأنبياء علیهم السلام، مرکز پژوهش‌های اسلامی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

قندهاری، محمد، تحمل کتب حدیثی در شیعه امامیه تا زمان شیخ طوسی (پایان نامه ارشد)، دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۹۲.

قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر القمی، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.  
کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، الاستنصار فی النص علی الائمه الاطهار (الاستبصار)، به تصحیح محمد اسلامی یزدی، میراث حدیث شیعه، دفتر دوم.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، ۱ جلد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- \_\_\_\_\_، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دارالکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
- مدرسی طباطبائی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه رسول جعفریان و علی قرائی، قم: مورخ، ۱۳۸۶ ش.
- مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب، ۱ جلد، انصاریان - ایران؛ قم، چاپ: سوم، ۱۳۸۴ / ۱۴۲۶.
- مهدوی راد، محمد علی؛ دلبری، سید علی، بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات، فصلنامه علوم حدیث، سال ۱۵، شماره اول.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ۱ جلد، نشر صدوق - تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ ق.
- نویری، أحمد بن عبد الوهاب، نهاية الأرب فی فنون الأدب، نویری - قاهرة، چاپ: اول، ۱۴۲۳ ق.
- Kohlberg, Etan, From Imāmiyya to Ithnā-ʿashariyya, Bulletin of the School of Oriental and African Studies, Volume 39, Issue 03, October 1976.
- Newman, Andrew, The Formative Period of Twelver Shi'ism: Hadith as Discourse Between Qum and Baghdad; Richmond: Curzon, 2000.
- Vilozny, Roy, Réflexions sur le Kitab al-'Ilal d'Ahmad b. Muhammad al-Barqi (m. 274 ou 280) in Amir-Moezzi M. A. and Bar-Asher M. M. (eds.), Le Shi'isme Imamite Quarante Ans Après - Hommage à Etan Kohlberg, Turnhout, 2009, pp. 417-35.
- نرم افزار درایة النور (نسخه ۲، ۱)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، سال ۹۰.

## حديث شهادة الخضر على اثني عشرية الأئمة دراسة أصالة الخبر وكيفية انتقاله من الأصول الروائية إلى الجوامع الحديثية

محمد القندهاري<sup>١</sup>

٢٩٦

### الخلاصة:

من الشواهد الروائية عند الإمامية في باب عدد الأئمة حديث شهادة الخضر على أن الأئمة اثنا عشر إماماً، وهو ما ينقله الكليني وسائر المحدثين عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي. وقد أورد البرقي نقلاً آخر للحديث في كتاب العلل من المحاسن، ولكن لم يورد أسماء الأئمة كاملاً، وهو ما أوجد شكوكاً عند البعض حول أصالة النقل الكامل.

هذه المقالة ومن خلال تطبيق أسانيد هذا الحديث، توضح أن المصدر الأول لهذا الحديث مع ذكر أسماء الأئمة كاملة هو كتاب أبي هاشم الجعفري، وعنه نقل المحدثون في كتبهم كالكليني في الكافي، ثم تسعى المقالة لتفسير هذا الاختلاف بين سند ومتن المحاسن مع سائر المنقولات في الكتب الحديثية الأخرى؛ وذلك مع ملاحظة أحاديث كتاب المحاسن يتضح أن هذا القسم من كتاب المحاسن هو في الواقع كتاب آخر لمحمد بن خالد أكمله ولده من بعده، وأن ظهور الاختلاف متناً وسنداً للاختلاف في المنهج بين البرقيين الوالد والولد.

المفردات الأساسية: حديث الخضر، أبو هاشم الجعفري، محمد بن خالد البرقي، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، كتاب المحاسن، أحاديث الأئمة الاثني عشر.

١. طالب مرحلة الدكتوراه في علوم القرآن والحديث من جامعة طهران ghandehari@ut.ac.ir

## Khidr's Testimony to Twelve Imams: Transmission of Khidr-tradition from Primary Sources to the Later Hadith Collections

Mohammad Ghandehari <sup>1</sup>

### Abstract

One of the ancient evidences posed by Imāmī scholars, concerning the number of Imams, is the testimony of Khidr to the twelve Imams with the names of all 12 Imams, which is narrated by Kulaynī and some other traditionalists on the authority of Ahmad b. Muḥammad b. Khalid al-Barqī (274 or 180 AH). Al-Barqī has narrated another version of the hadith in an extant Chapter (al-ʿilal) of his famous book, al-Maḥāsin, in which full names of Imams are not mentioned. This variation has casted doubt upon originality of the tradition.

Through studying the chain of transmitters of the Khidr-tradition, this article aims to show that the origin of the hadith which contains full names of Imams is the book of the main narrator, Abū Hāshim al-Jaʿfarī (261 AH), from where it has been cited in later works such as al-Kāfī.

Furthermore, by examining statistically all hadiths in the chapter of al-ʿilal, this study tries to find the roots behind the differences between the versions in al-Maḥāsin and other hadith collections. The study of the chains of hadiths in al-Maḥāsin shows that al-ʿilal was originally the book of al-Barqī's father, Muḥammad b. Khālid, completed later by al-Barqī. Moreover, it is demonstrated that the textual differences, find their roots in the methods of hadith compilation of the father and his son.

**Keywords:** The Khidr-tradition, Abu Hāshim al-Jaʿfarī, Muḥammad b. Khālid al-Barqī, Ahmad b. Muḥammad al-Barqī, al-Maḥāsin, hadiths concerning Twelve Imams, Hadith Transmission

---

1. Graduate students, University of Tehran (gandehari@ut.ac.ir).